

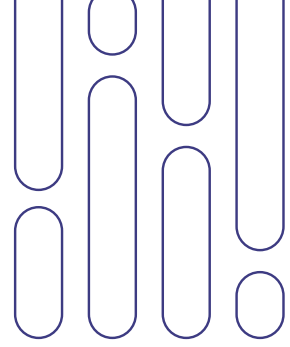
گزارش وضعیت

ایران و سازمان شانگهای: مزایای عضویت ایران و قدرت مانور این کشور

11 اکتبر 2021



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- 4 نخست: روند عضویت ایران و اهمیت سازمان شانگهای
- 6 ... دوم: فضا و شرایطی که منجر به پذیرش ایران در سازمان شانگهای شد
- 9 سوم: مزایای احتمالی پیوستن ایران به سازمان شانگهای
- 10..... چهارم: چارچوب قدرت مانور تهران در زیر چتر شانگهای
- 13 .. پنجم: پیامدهای پیوستن ایران به سازمان شانگهای بر کشورهای خلیج
- 15 برآیند



اعضای سازمان همکاری شانگهای درنشستی که در تاریخ 18 سپتامبر 2021 میلادی در دوشنبه پایتخت تاجیکستان دایر شده بود، بعد از سالها با عضویت دائمی ایران در این سازمان موافقت کردند. گفتنی است پیش از این، ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور داشت. اهمیت این مسأله به جایگاه این سازمان در سطح بین المللی و منطقه در سایه تحولات اخیر منطقه ای و بین المللی برمی گردد که از مهمترین این تحولات افزایش شدت رقابت میان ایالات متحده از یک طرف و چین و روسیه از طرفی دیگر و نیز وضعیت آشفته افغانستان پس از خروج امریکا است. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که پیوستن ایران به این مجموعه منطقه ای ناشی از رویکرد «منطقه گرایی» در سیاست خارجی ایران در سالهای گذشته و در راستای سیاست «نگاه به شرق» صورت می گیرد که هدف از آن مقابله با طرح امریکا برای منزوی کردن ایران و کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریمها است.

به همان اندازه که ایران روی مزیت های پیوستن به سازمان شانگهای حساب باز کرده است، به همان اندازه نیز قدرت مانور این کشور در استفاده از این ظرفیت با مشکلات و موانع متعددی روبرو است. این نوشتار در تلاش است برای فهم این موضوع، چهار مسأله را مورد واکاوی قرار دهد که عبارتند از: اول، روند عضویت ایران و اهمیت سازمان شانگهای. دوم، فضا و شرایطی که منجر به پذیرش عضویت ایران در سازمان شانگهای شد. سوم، مزایای احتمالی پیوستن ایران به سازمان شانگهای. چهارم، میزان قدرت مانور تهران زیر چتر شانگهای.

نخست: روند عضویت ایران و اهمیت سازمان شانگهای

در سال 2005 میلادی ایران به دعوت و حمایت روسیه به عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای حضور یافت. این کشور در سال 2008 میلادی درخواست عضویت دائم کرد اما با مخالفت برخی اعضای بنیانگذار در سازمان مانند چین، روسیه مواجه شد و مهمترین دلیل مخالفت هم این بود که ایران به خاطر برنامه هسته ای، تحت تحریمهای بین المللی قرار دارد. در نشست سران این سازمان که در سال 2010 میلادی در ازبکستان دایر شده بود، جامعه بین الملل از این سازمان خواست که برای اعطای عضویت کامل باید معیارهای جدیدی را در نظر بگیرد مبنی بر اینکه شرط عضویت در سازمان شانگهای این است که کشور متقاضی نباید تحت هیچگونه تحریم بین المللی باشد.

در نشست 2015 میلادی، تاجیکستان به خاطر نگرانی نسبت به حمایت تهران از گروههای مسلح در آسیای میانه، با درخواست ایران مخالفت کرد. البته برخی اعضای دیگر مانند چین این نگرانی را داشتند که ایران عضویت خود را در این سازمان ابزاری برای مقابله با سیاست های امریکا قرار دهد. اما ایران همچنان این درخواست را پیگیری کرد تا اینکه موفق شد در سال 2021 میلادی موافقت اعضا با پذیرش ایران به عنوان عضو دائم این سازمان را کسب کند.

این سازمان که در سال 2001 میلادی تأسیس شد، از این جهت برای ایران اهمیت دارد که تعدادی از کشورهای تأثیرگذار در صحنه بین الملل همچون چین و روسیه که می روند تا به عنوان قدرتهای بزرگ جهانی مطرح شوند، در این سازمان حضور دارند. البته هند و پاکستان که در سال 2017 میلادی به این سازمان پیوستند نیز از جمله کشورهای مهم و تأثیرگذار هستند. وجود کشورهایی چون قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان که هم منابع سرشار و هم بازار گسترده ای دارند بر اهمیت این سازمان افزوده است. بنابراین، این سازمان علاوه بر اینکه یک قدرت دیپلماتیک در سطح جهان به حساب می آید، یک فضای اقتصادی پر رونق نیز هست.

از سویی دیگر، این سازمان با تأمین صلح، امنیت و ثبات در این منطقه جغرافیایی و مبارزه با پدیده جرم و تجارت مواد مخدر و مقابله با حرکت های جدایی طلب و افراطی گری دینی، نژادی و تروریسم نقش برجسته ای در حوزه های امنیتی و سیاسی بازی می کند. بنابراین، در سایه تحولات اخیر منطقه و جهان، از جمله خروج امریکا از افغانستان، و سیاست ایران مبنی بر نگاه به شرق و تلاش ایالات متحده برای مقابله با خطر چین و روسیه می توان گفت که اهمیت این سازمان بیشتر نمود پیدا می کند.

یکی از دلایل اهمیت بالای این سازمان در سطح جهان، حضور چهار قدرت بزرگ هسته ای در این سازمان است که عضویت باشگاه هسته ای جهان را دارند. علاوه بر آن، چین و روسیه که از مهمترین اعضای این سازمان هستند، در شورای امنیت سازمان ملل از حق وتو برخوردارند. مساحت کشورهای عضو این سازمان بیش از 30 میلیون کیلومتر مربع را دربر می گیرد که بیش از 3,5 میلیارد نفر یعنی حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است. آمارها حاکیست که کشورهای عضو این سازمان 20 درصد تولید ناخالص ملی کل جهان را که به ارزش 15 تریلیون دلار تخمین زده می شود به خود اختصاص می دهند. بنابراین، ایران با عضویت در این سازمان به دوتریون اقتصادی و سیاسی دسترسی پیدا می کند.

این سازمان با داشتن روسیه و ایران، بزرگترین تولید کنندگان انرژی دنیا و با داشتن چین و هند، بزرگترین مصرف کنندگان منابع انرژی را در خود جای داده است. این سازمان همچنین بزرگترین کشورهای منطقه اوراسیا که بیشترین نفوذ در فضای بین المللی دارند را در عضویت خود دارد. اکثر این کشورها در منطقه آسیای میانه واقع شده اند که به عنوان یک منطقه حایل، کریدورهای مهم تجاری و منابع کلان تولید و مصرف انرژی جهان را در اختیار دارند و در نهایت، این سازمان عرصه ای برای منافع مهم ژئواستراتژیک بازیگران منطقه ای و بین المللی به شمار می رود.

سازمان همکاری شانگهای یکی از گزینه های جهانی برای مقابله با تنها قدرت جهانی یعنی آمریکا و بازگرداندن توازن در روابط بین الملل محسوب می شود. این یک گزینه شرقی است که در مقابل گزینه اروپایی - آمریکایی شرق ستیز، قد علم کرده است. زیرا قدرت های محوری این سازمان یعنی چین و روسیه نیز خواهان نظام بین المللی چند قطبی هستند؛ به ویژه بعد از اینکه غرب یعنی آمریکا و اروپا در نتیجه سیاست های غلط در لیبی، افغانستان، عراق و دیگر مناطق شکست خوردند و در نتیجه زمینه را برای نفوذ برخی کشورهای منطقه از جمله ایران، و گسترش خشونت و تروریسم و بنیادگرایی فراهم ساختند.

دوم: فضا و شرایطی که منجر به پذیرش ایران در سازمان شانگهای شد

در زمانی اعضای سازمان شانگهای موافقت خود را با عضویت دائمی ایران در این سازمان اعلام کردند که تحولاتی در داخل ایران و منطقه و بین الملل جریان داشت که اینک به آنها می پردازیم:

یک - رویکرد خصمانه ایران در قبال ایالات متحده: در نتیجه اقداماتی که رهبر ایران برای تغییر فضای سیاسی ایران و مقابله با چالشها در پیش گرفت، در ماه ژوئن 2021 میلادی ابراهیم رئیسی تندرو به ریاست جمهوری برگزیده شد. این اقدامات رژیم با این هدف روی دست گرفته شد که همه نهادهای

حکومتی برای مدیریت مرحله سرنوشت ساز و پاسداری از فرهنگ انقلاب در کشور، یک دست شود. رئیسی انتخاب شد تا روحیه و شور انقلاب را بار دیگر در کشور زنده کند و گفتمان و مبادی بنیادین انقلاب را تداوم بخشد و از ارزشهای فرهنگی جامعه پاسداری کند و پروژه فرامرزی ایران را همچنان دنبال کند. طبیعتاً، این رویکرد ایران سبب می شود که کشورهای غربی و حتی کشورهای غرب آسیا که محل پروژه منطقه ای ایران است، با جدیت در مقابل ایران بایستند. به همین سبب ایران به خاطر رویارویی با این جبهه، با چالشهای بزرگی مواجه است. در سایه رویکرد دولت جدید ایران که برای غلبه بر چالشهای اقتصادی سیاست «نگاه به شرق» و توجه بیشتر به منطقه آسیای میانه، شرق آسیا و منطقه قفقاز را در دستور کار خود قرار داده است، پیوستن ایران به سازمان شانگهای یک دستاورد بزرگ به حساب می آید و قدرت مانور بیشتری به این کشور می دهد.

دو- رقابت شدید بین المللی و توافق روسیه و چین در مورد نظام بین المللی چند قطبی: فضای بین الملل شاهد رخدادها و تحولات مهمی است که ناشی از رویارویی و رقابت روزافزون میان ایالات متحده و چین است. با آمدن رئیس جمهور تازه امریکا این رقابت وارد فاز تازه ای شده است. بایدن با احیای سیاست های اوپاما بخش اعظم امکانات راهبردی خود را به منطقه جنوب آسیا اعزام کرد تا با محاصره چین از دریا و خشکی، پیشروی های این کشور را محدود کند که ائتلاف موسوم به اوکوس میان استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده ثمره اخیر این رویکرد است. این تحولات در اصل، ناشی از ائتلاف های بین المللی است و ایران با چین و روسیه در این نقطه اشتراک نظر دارند که به جای اینکه تلاش خود را صرف تسلط بر منطقه کنند، باید برای ایجاد یک نظام بین المللی چند قطبی تلاش کنند و نزدیکی چین و روسیه و اشتراک موضع این دو کشور در مورد برخی از پرونده ها، ریشه در همین امر دارد. البته جایگاه راهبردی ایران در پروژه چینی یک کمر بند و یک جاده را هم نباید از نظر دور داشت.

سه- توقف مذاکرات هسته ای و تلاش برای مقابله با فشارها: علی رغم برگزاری شش دور مذاکرات با هدف احیای برجام و برداشتن تحریمهای ایران،

اما نه تنها هیچ تحریمی تا کنون لغو نشده بلکه ایالات متحده در دور پنجم و ششم مذاکرات از گنجاندن بندی سخن گفت که به موجب آن مذاکراتی نیز باید در مورد برنامه های موشکی و منطقه ایران صورت گیرد. ایالات متحده همچنین طرحی برای محدود کردن سانتریفیوژهای پیشرفته ایران و ذخایر اورانیوم غنی شده 20 درصد و 60 درصد ارائه داده است. این در حالیست که ایران در سایه دولت رئیسی تلاش می کند تا از دستاوردهای هسته ای مخصوصا در زمینه فناوری مربوط به سانتریفیوژها پاسداری کند و افزودن هیچ بندی به برجام را نمی پذیرد. ایران همچنین تلاش می کند از رابطه خوبی که با چین و روسیه دارد برای مقابله با فشارهای ایالات متحده و غرب استفاده کند.

چهار- عقب نشینی امریکا از افغانستان و نیاز به یک چتر حمایتی منطقه ای در برابر ناآرامی ها: از سویی دیگر، با خروج امریکا از افغانستان، یک خلأ استراتژیک کلان در منطقه احساس می شود. با اینکه ایران از اینکه مهمترین دشمن از مرزهای شرقی اش رخت بر بسته خرسند است، اما همچنان نگران است که امریکا برای درگیر کردن ایران در جنگ با افغانستان توطئه ای داشته باشد و این درگیری بهانه ای برای تحمیل فشارها و تحریمهای بیشتری علیه تهران گردد. در چنین شرایطی، ایران ضمن اینکه به فعالیت های خود در سطح منطقه ادامه می دهد، هرگونه تحرکاتی که ممکن است به منافع و ائتلاف های این کشور آسیبی بزند را به دقت زیر نظر دارد. ایران نگران است که بی ثباتی در افغانستان پناهجویان بیشتری را به ایران سرازیر کند. مسأله دیگری که موجبات نگرانی ایران را رقم زده این است که با ادامه هرج و مرج در افغانستان، دولت اسلامی شاخه خراسان و القاعده بار دیگر در این کشور قدرت گیرند که این امر امنیت و ثبات ایران را با تهدید مواجه می کند. ایران به ثبات افغانستان می اندیشد زیرا که این امر فوائد اقتصادی بیشماری برای ایران به همراه دارد؛ مخصوصا اگر طالبان از غرب و ایالات متحده روی گردان شده و در ایجاد ثبات داخلی موفق شوند، آنگاه افغانستان یک فرصت اقتصادی کلانی برای ایران به حساب خواهد آمد. زیرا بازارهای افغانستان به روی صادرات بنزین و گاز طبیعی و دیگر کالاها و نیازهای

ضروری گشوده خواهد شد که این امر می تواند به دور از نظارت امریکاییها بخشی از درآمد ایران را تأمین کند. همچنین افغانستان می تواند به عنوان دروازه ای به روی اقتصاد ایران به سوی بازارهای آسیایی و چینی باشد که این امر می تواند در کاهش فشار ناشی از تحریمها مؤثر باشد و نگذارد که امریکا در مذاکرات احتمالی وین به ایران فشار آورد.

سوم: مزایای احتمالی پیوستن ایران به سازمان شانگهای

مسئولین و کارشناسان ایرانی بر این باورند که ایران با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای دستاوردهای سیاسی عدیده ای را کسب می کند. عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای این امکان را برای ایران فراهم می کند که از طریق همکاری با بلوک شرق و کشورهای تأثیرگذار در امور منطقه و بین الملل همچون روسیه و چین که اعضای دائمی شورای امنیت نیز هستند، بتواند ضمن تقویت سیاست نگاه به شرق یک گزینه بین المللی خلق کند و کشور را از انزوای بین المللی که به خاطر برنامه های هسته ای، موشک های بالستیک و ماجراجویی های توسعه طلبانه بر کشور تحمیل شده، برهاند. در این زمینه علی رضا حقیقیان مدیر کل امور اوراسیا در وزارت خارجه ایران بر این باور است که پذیرش عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای اعلام شکست پروژه منزوی سازی ایران بود.

از منظر سیاسی، ایران پیوستن به سازمان همکاری شانگهای را در راستای رهیافت جدید مبنی بر حرکت به سوی جهان چند قطبی می داند که با تمایلات ایالات متحده که قدرت برتر نظام تک قطبی است، سازگاری ندارد. ابراهیم رئیسی در سخنرانی خود در نشست سران سازمان شانگهای گفت: «امروز جهان وارد دوران جدیدی شده است و سلطه طلبی و یک جانبه گرایی رو به زوال است. نظام بین الملل به سوی چند قطبی شدن و باز توزیع قدرت به سود کشورهای مستقل در حال تغییر است». منظور رئیسی این است که نظام بین الملل نه تک قطبی بلکه چند قطبی شده است و امریکا در آینده نزدیک جایگاه خود را در نظام بین الملل از دست خواهد داد.

در واقع می توان گفت در این شرایط که در سایه تحریمهای ناشی از فعالیت های هسته ای و به خاطر همه گیری کرونا، اوضاع بد اقتصادی و شرایط سخت زندگی سبب شده است که نارضایتی مردم از نظام بالا بگیرد، دولت رئیسی نیاز دارد که با بزرگنمایی های این چنینی برای ترمیم مشروعیت آسیب دیده رژیم تلاش کند.

اما از لحاظ اقتصادی، ایرانیها انتظار دارند که با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای، تحریمهای اقتصادی امریکایی اثرشود. زیرا که عضویت در شانگهای فرصتی را برای ایران فراهم می کند تا روابط اقتصادی خود را با اعضای این سازمان تحکیم نموده و گسترش دهد. همچنین، این سازمان به منزله یک دروازه ارتباط اقتصادی است که ایران می تواند از طریق بازارهای بزرگ در بلوک شرق و راه یافتن به بازارهای گسترده ای که 65 درصد کل جمعیت جهان را در خود جای داده است، بخشی از درآمدهای مورد نیاز کشور را تأمین کند. اما با این همه، محمود جامساز کارشناس اقتصادی در 18 سپتامبر 2021 میلادی تأکید کرد که پیوستن به سازمان همکاری شانگهای هیچ ره آوردی برای ایران ندارد چرا که اقتصاد بی رمق ایران برای خروج از انزوا نیازمند رفع تحریمهاست.

از لحاظ نظامی، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای فرصتی است تا این کشور از طریق همکاری های نظامی با روسیه و چین تجهیزات و توانمندیهای نظامی خود را تقویت کند؛ به ویژه اینکه تحریمهای تسلیحاتی ایران در اکتبر 2020 میلادی برداشته شد و اکنون این زمینه فراهم آمده است که ایران با روسیه و چین وارد قراردادهای تسلیحاتی شود.

چهارم: چارچوب قدرت مانور تهران در زیر چتر شانگهای

سازمان شانگهای نه یک مجموعه اقتصادی جهانی بلکه یک سازمان امنیتی است که اساساً برای تأمین امنیت چین و روسیه در فضای امنیتی پیرامونی آنها تشکیل شده است و حمایت از امنیت ملی روسیه و چین در مقابل تهدیدهای مشترک در مناطقی که از حوزه نفوذ ایران در خاورمیانه دور است،

را نیز در دستور کار خود دارد. با پیوستن هند، این سازمان قدرت های هسته ای را در خود جای داده است که اهداف امنیتی متضادی دارند و البته که ایران نظر به مسائل سیاسی و جغرافیایی از دغدغه های امنیتی آنان به دور است. عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای، الزاماتی را نیز برای این کشور به دنبال دارد. از جمله اینکه ایران به عنوان عضو کامل باید رسماً موضع خود را در خصوص مسائل اختلافی اعضا همچون مسائل اختلافی میان هند و پاکستان و چین اعلام کند این در حالیست که قبل از عضویت کامل، ایران با این اینگونه مسائل اختلافی هیچ ارتباطی نداشت. اما اکنون که ایران به عنوان عضو دائم درباره موضوعی رسماً اعلام موضع کند، قطعاً نظر چین و هند نسبت به ایران در مقایسه با دوران قبل از عضویت کامل، متفاوت خواهد بود.

علاوه بر آن، عضویت کامل ایران، در مورد مسائل امنیتی خاورمیانه هیچ دستاوردی برای ایران به همراه ندارد و این کشور که فعالیت های توسعه طلبانه و برنامه هسته ای و موشک های بالستیک را از اولویت های امنیتی خود قرار داده است، نمی تواند از حمایت سازمان در مقابله با دشمنان خاورمیانه ای خود برخوردار گردد؛ چرا که خاورمیانه خارج از دایره دغدغه های مستقیم امنیتی اعضای سازمان است و اساساً به مسائل امنیتی که چین و روسیه در جغرافیای پیرامونی خود دارند، اهمیت می دهند.

همچنین این سازمان در برون رفت از انزوای منطقه ای هم نمی تواند دردی از ایران دوا کند. به عنوان مثال، اینکه سازمان شانگهای برای ترمیم روابط ایران - اسرائیل و یا ایران - عربستان گامی بردارد، مسأله ای دور از انتظار است؛ زیرا سیطره روسیه و چین بر این سازمان سبب خواهد شد که رویارویی میان ایران و کشورهای منطقه در مورد مسائل اختلافی همچنان باقی بماند. و در گذشته نیز سابقه نداشته که چین یا روسیه به طور جدی به ایران فشار آورد که برای صلح و ثبات در خاورمیانه وارد گفتگوی همه جانبه شود؛ بجز یک طرح امنیتی روسیه برای کشورهای خاورمیانه که اخیراً تغییراتی نیز در آن اعمال شده است. عملاً، سازمان شانگهای بیشتر به تالارهای بحث و گفتگو

تا به ائتلاف های منطقه ای دارای صلاحیتی چون پیمان آتلانتیک شمالی و یا اتحادیه اروپا که کمیته های دائمی آنها صلاحیت اجرایی سازی تصمیمات را داشته باشند و ایران بتواند آنگونه که می خواهد در راستای اهداف خود از آن استفاده کند. بلکه کمیته های دائمی سازمان شانگهای برای اجرایی سازی تصمیمات اتخاذ شده صلاحیتی ما فوق کشورهای عضو ندارند. همچنین این سازمان فاقد یک بازوی نظامی است که برای تحکیم مواضع کشورهای عضو آن استفاده کند. بلکه این چین و روسیه هستند که در مورد مسائل حساس منطقه تصمیم نهایی را می گیرند؛ نه ایران. نکته دیگر اینکه، غرب آسیا یک اولویت حیاتی برای ایران است؛ جایی که آرزوهای خود را به آن گره زده است. و علی رغم اینکه روسیه و چین از ایران حمایت می کنند اما به هیچ عنوان از رفتارهای ایران مبنی بر تهدید به بستن تنگه هرمز و هدف قرار دادن نفت کش ها و کشتی های تجاری در خلیج عربی رضایت ندارند و نمی خواهند که ایران زیر چتر پیمانهای همکاری و امنیتی منطقه ای، به این نوع رفتارهای خود ادامه دهد؛ زیرا ایران در مسیر انتقال انرژی چندین کشور عضو سازمان شانگهای نیز مزاحمت ایجاد می کند و چندی قبل چین در مورد سیاست ایران در تنگه هرمز ابراز نگرانی کرده بود. به همان اندازه که رابطه با ایران برای چین اهمیت دارد، به همان اندازه نیز این کشور تلاش دارد رابطه خوب خود را با کشورهای خلیج عربی حفظ کند.

روسیه نیز در مورد رفتارهای ایران نگرانیهای مشابهی دارد و تفاهم های کنونی میان دو کشور صرفاً جنبه تاکتیکی دارد که تاریخی از بی اعتمادی را پشت خود جای داده است. برخلاف توافق دو طرف در مورد مقابله با نفوذ آمریکا در فضای ژئوپلیتیک مشترک، سایر توافقات میان دو کشور همچون موضع مشترک در مورد سوریه، سست و بی بنیان است و هر لحظه احتمال از بین رفتن آنها وجود دارد. و سازمان شانگهای هم این ظرفیت را ندارد که مشکلات ساختاری روابط دو کشور را حل و فصل کند. در نتیجه، نه تنها سازمان شانگهای هیچ کمکی به پیشبرد سیاست های ایران در غرب آسیا نمی کند بلکه بر عکس، این سازمان می تواند یک ابزار فشاری بر ایران باشد تا رفتار خود را تعدیل کند.

در صورتیکه ایران تغییری در رفتارهای خود ایجاد نکند، پیوستن به شانگهای از لحاظ امنیتی هیچ امتیاز قابل توجهی برای ایران به همراه ندارد. ولی از آنجا که اساساً رسیدگی به مشکلات امنیتی شرق آسیا و آسیای میانه از جمله مأموریت های این سازمان است، ایران می تواند از برخی دستاوردهای امنیتی در این منطقه حیاتی بهره مند شود که عبارتند از: مبارزه با تروریسم، کمک به ثبات در افغانستان و تلاش برای ایجاد یک موضع مشترک میان کشورهای تأثیرگذار سازمان شانگهای که به نحوی بعد از خروج امریکا از افغانستان، از تحولات این کشور متأثر می شوند؛ چرا که یکی از دغدغه های اعضای شانگهای این است که با پر کردن خلأ ناشی از خروج امریکا، نگذارند افغانستان به منبع بحران برای کشورهای همسایه تبدیل شود. همچنین پیوستن ایران به شانگهای، به ایجاد همکاری و کاهش تنش میان کشورهای های رقیب مانند افغانستان و تاجیکستان کمک می کند و کنترل تنش های به وجود آمده را آسانتر می کند.

پنجم: پیامدهای پیوستن ایران به سازمان شانگهای بر کشورهای خلیج

ایران با راه انداختن تبلیغات در داخل کشور تلاش دارد پیوستن این کشور به سازمان شانگهای را یک دستاوردی معرفی کند که مردم ایران از منافع اقتصادی آن بهره مند خواهند شد. ایران درباره عضویت دائمی خود که تنها دو سال بعد اجرایی می شود، از هم اکنون با هدف مقابله با رقبای خلیجی خود بزرگ نمایی می کند.

تبلیغاتی که ایران به راه انداخته با واقعیت فاصله زیادی دارد و ضعف رابطه اقتصادی ایران با کشورهای عضو این سازمان - البته بجز چین - بهترین دلیل این امر است. وانگهی، برخی اعضای این سازمان همچون هند و پاکستان از هم پیمانان ایالات متحده به شمار می روند که ضمن پایبندی به تحریمهای ایالات متحده علیه ایران، چندین کشور دیگر را نیز به رعایت این تحریمها وادار می کنند.

ممکن است ایران از رهگذر تفاهمنامه‌ها و قراردادهای دوجانبه با برخی کشورهای منطقه و در سایه مامشات امریکا با این کشورها، به دستاوردهای اقتصادی جزئی دست یابد. اما این دستاورد اقتصادی جزئی به هیچ عنوان کمکی به مدیریت بحران اقتصاد داخلی نخواهد کرد. و این احتمال هم وجود دارد که رژیم ایران در گفتگوهای احتمالی آینده وین با واشنگتن موضع سرسختانه تری در پیش گیرد که در اینصورت تنها عامل تأثیرگذاری که می‌توان به آن چشم دوخت این است که بحران داخلی به مدد فشارهای منطقه‌ای آمده و این کشور را وادار به تعدیل رفتار منطقه‌ای و پایان دادن به سیاست‌های خصمانه اش کند.

از سویی دیگر، بعید به نظر می‌رسد که چین و روسیه روابط اقتصادی خود را با کشورهای خلیج به بهبود روابط با ایران گره بزنند. زیرا اهمیت حوزه اقتصادی برای این دو کشور اقتضا می‌کند که روابط خود را به گونه‌ای مدیریت کنند که بازار بزرگ، پر رونق و با ثبات کشورهای خلیج را از دست ندهند.

از لحاظ سیاسی، علی‌رغم اینکه سازمان‌شانگهای یک ائتلاف ضد امریکایی و ضد غربی و رقیب پیمان ناتو است، اما به دلیل محدودیت عمل این سازمان و نیز عدم ورود این سازمان به هیچ منازعه علنی با غرب و ایالات متحده و همچنین مسائل اختلافی بین اعضاء، پیوستن به این سازمان هیچ دستاوردی برای ایران نیز نخواهد داشت. در نتیجه آنچه که ایران با تبلیغات و هیاهو آن را یک دستاورد راهبردی می‌خواند، کاملاً بی‌معنا است. شاید ایران هم پیمان مورد اعتماد چین باشد که به کشورهای خلیج به عنوان هم پیمان امریکا می‌نگرد. اما تا کنون نه چین و نه روسیه هیچ تمایلی از خود نشان نداده‌اند که منطقه خاورمیانه را وارد جنگ سرد و رقابت و ائتلافهای رقابتی همچون مرحله دو قطبی یک قرن پیش کنند.

بلکه برعکس، چین و روسیه در مورد سیاست‌های خصمانه ایران در خاورمیانه ملاحظاتی دارند و نسبت به اقدامات ایران مبنی بر تهدید امنیت دریایی و آزادی کشتیرانی در آبراهه‌های بین‌المللی اعتراض دارند. و روسیه نیز

نسبت به گرایش‌های سلطه طلبانه که مبنای سیاست خارجی ایران است و نسبت به دخالت‌های خارجی این کشور با هدف ایجاد بی‌ثباتی و هرج و مرج در کشورهای مقصد، نگران است.

شایان ذکر است که این سازمان در نشست اخیر خود، کشورهای عربستان سعودی، مصر و قطر را به عنوان شرکای گفتگو پذیرفت. این اتفاق اخیر مانع از آن می‌شود که ایران از این سازمان بر علیه منافع کشورهای خلیج استفاده کند. گفتنی است که کشورهای خلیج روابط بسیار خوبی با برخی از اعضای سازمان از جمله پاکستان و تاجیکستان دارند که در فضای آسیای میانه رقبای ایران به حساب می‌آیند و با سیاست‌های ایران مخالف هستند.

از لحاظ امنیتی، همه قدرتهای هسته‌ای سازمان با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مخالف هستند. اما تحولات بنیادین در رویارویی و رقابت بین المللی میان چین و روسیه از یک سو و ایالات متحده از سوی دیگر، تنها حالتی است که امکان دارد ایران از لحاظ امنیتی و نظامی دستاوردی کسب نموده و در سایه برداشته شدن تحریم تسلیحاتی که در اکتبر 2020 میلادی صورت گرفت، قراردادهای تسلیحاتی را با این کشورها وارد فاز اجرایی کند که در این صورت ایران می‌تواند با فروش تسلیحات به بازوهای نظامی خود درآمد مالی هنگفتی داشته باشد.

خلاصه اینکه، نظر به اینکه پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای دستاوردهای اقتصادی، امنیتی و سیاسی چندانی برای ایران ندارد، این امکان نیز وجود ندارد که ایران از این سازمان در رویارویی و رقابت خود با کشورهای خلیج در منطقه خاورمیانه استفاده کند. همچنین، کشورهای تأثیرگذار در این سازمان مانند چین و روسیه حاضر نیستند از توازن موجود در منطقه غرب آسیا و دستاوردهای خود با کشورهای خلیج چشم‌پوشی کنند.

برآیند

به نظر می‌رسد که موافقت کشورهای تأثیرگذار در منطقه شانگهای یعنی روسیه و چین به پیوستن ایران، ناشی از رقابت شدید میان قطب‌های جهانی

تأثیرگذار در سیاست بین الملل و منطقه است. موافقت روسیه و چین با پذیرش ایران، گویای این واقعیت است که این دو کشور در تلاشند تا از فرصت خروج امریکا از افغانستان و کاهش توجه واشنگتن به مناطق نفوذ خود کمال استفاده را ببرند و ضمن گسترش حوزه نفوذ خود، حضور خود را در راستای مقابله با ایالات متحده تقویت کنند. این درحالیست که ایران در تلاش است با یافتن منافذ اقتصادی تازه ای، با فشار تحریمهای امریکا بر اقتصاد بحران زده اش مقابله کند و از حضورش در این سازمان برای تحکیم ائتلافهای سیاسی با کشورهای عضو سازمان از جمله روسیه و چین استفاده کند.

از فضایی که اعضای سازمان شانگهای در آن با عضویت ایران موافقت کردند و از جایگاه اعضا و رویکردها و سیاست های منطقه ای و بین المللی آنها که در تضاد با سیاست های ایران است، می توان چنین فهمید که دستاوردهای ایران از پیوستن به این سازمان در راستای مقابله با تحریمها و انزوای بین المللی، صرفا نمادین و ناچیز است. زیرا سازمان شانگهای یک سازمان اقتصادی فعال نیست که برای ایران گزینه های مالی فراوان فراهم کند؛ بلکه یک سازمان امنیتی است که برای مقابله با چالشهای امنیتی روسیه، چین، هند و پاکستان در حوزه های جغرافیایی پیرامونی آنها تشکیل شده است. و نکته دیگر اینکه سیاست های تک تک اعضای آن در مورد خاورمیانه، آسیای میانه و شرق آسیا تفاوت دارد. وانگهی، منطقه خاورمیانه که برای ایران اولویت دارد، در اولویت های امنیتی مستقیم سازمان شانگهای مخصوصا روسیه و چین نمی گنجد.

همچنین، گرایش ایران به ادغام منطقه ای که تعهداتی را نیز برای کشورها ایجاد می کند، با رویکرد سیاست خارجی ایران مبنی بر استقلال و زیر سلطه قدرت های بزرگ نرفتن، در تضاد است. و بی تردید، با پیوستن ایران به این سازمان خطر قرار گرفتن این کشور به عنوان یک قدرت متوسط تحت سیطره قدرت های بزرگی چون چین و روسیه که در صدد تسلط بر منطقه هستند، وجود دارد. در اینجا می توان گفت که تلاش ایران برای پیوستن به اتحادیه اوراسیا و یا سازمان شانگهای نشان از این واقعیت دارد که ایران بیش

از اینکه به دنبال همکاری در فضای شانگهای باشد، به فکر استفاده از این سازمان در راستای مقابله با ایالات متحده و خروج از انزوای اقتصادی است.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

